

# آنتون بروکنر: سمفونی ساز بزرگ

□ واگنر او را تنها سمفونی ساز واقعی پس از بتهوون می دانست.

□ بروکنر ساخت سمفونیک بتهوون را به کار گرفت و سمفونی فناپذیر شماره پنج بتهوون را الگویی برای خلق آثار خود قرار داد.

آنتون بروکنر در دهکده آتسفلدن، در اتریش علیا، در چهارم سپتامبر ۱۸۲۴ متولد شد. پدر بزرگش، ژوزف، که از طبقات فرو دست اتریش سفلی برخاسته بود، در دهکده آتسفلدن رئیس مدرسه بود. پسرش، آنتون - که پدر آهنگساز باشد - پس از او این مقام را داشت. چنین بود که خود آهنگساز هم که در اصل به منظور تصدی این مقام تربیت می شد، دوره آموزشی مخصوص طبقه روستاییان اتریش علیا را گذراند. هر چند او از بدو طفولیت استعداد خیره کننده ای در زمینه موسیقی نشان می داد، تا سن یازده سالگی آموزش ویژه ای آغاز نکرد. در این زمان، موسیقی دانی قابل ولی متوسط، موسوم به وایس، ارگ و هارمونی را به او آموخت. مرگ نابه هنگام پدر بروکنر در ۱۸۳۷ که بیوه ای فقیر را با یازده فرزند (آنتون بهترین فرزند بود) تنها گذاشت، پسر را واداشت پیشنهاد شغلی را در گروه کر صومعه سن فلورین قبول کند. او از سال ۱۸۳۷ تا ۱۸۴۰ در این شغل باقی ماند.

آنتون که از افق آینده ای که برایش مقرر شده بود - تصدی شغلی از قبیل معلم دهکده - خرسند نبود، تلاش های خود را در زمینه موسیقی جدی گرفت و به تدریج قابلیت زیادی در نواختن ارگ به دست آورد. در صومعه سن فلورین، با نواختن ارگ مشهور صومعه، فرصت زیادی برای نشان دادن قدرتش در نواختن ارگ به دست آورد. تا این زمان، با این که درس آهنگسازی را پیش خود و بدون آموزگار فرا گرفته بود، دست کم یک اثر برجسته نویدبخش ساخته بود: «رکوئیم در رمینور» (۱۸۴۹). چون از دانش ناقصی که



در زمینه تئوری موسیقی داشت ناخشنود بود، یک دوره آموزش نظری را زیر نظر سیمون شستر، استاد معروف شهر وین، آغاز کرد (۱۸۵۵). با این همه، تا سال بعد که در مسابقه احراز پست ارگ نواز کلیسای جامع شهر لینتس پیروز شد، این شهامت را نداشت که خودش را در پست وقف موسیقی کند. در دوران اشتغالش در شهر لینتس (از ۱۸۵۶ تا ۱۸۶۸) با رهبر جوان ارکستر اپرا، اتو کیتزلر، رابطه دوستانه‌ای برقرار کرد و این اتو کیتزلر بود که او را با شگفتی‌های جهان تازه موسیقی ریچارد واگنر آشنا کرد. این کشف او را به هیجان آورد. هنگام نخستین اجرای

زادگاه بروکنر در دهکده آتسفلدن



«تریستان و ایزولد» در سال ۱۸۶۵، به مونیخ سفر کرد. در آن شهر با واگنر آشنا شد و به زودی به جمع حلقهٔ دوستان و شاگردان استاد درآمد.

در این میان، پس از دو تلاش ناموفق در فرم سمفونی - فرمی که از دیرباز به آن علاقه ای مقاومت ناپذیر داشت - بروکنر دوباره به موسیقی مذهبی رو آورد و با به کارگرفتن درک جدیدی که از مسائل مربوط به تنظیم ارکستر به دست آورده بود، نخستین اثر دوران پختگی اش را خلق کرد: «مس در مینور» (۱۸۶۴). آن گاه یکبار دیگر دست به تلاشی در حوزهٔ سمفونی زد و در یک حالت پرشور مداوم الهام یافتگی، نخستین سمفونی اش را نوشت. غلبهٔ شور و احساسات شدید و ضعف جسمانی دست به دست هم دادند و تعادل عصبی او را بهم زدند و تا مدتی بیم آن می رفت که کار او به جنون بکشد، اما خوشبختانه معلوم شد که این حالت موقتی بوده و توفانی است گذرا. بروکنر، به نشانهٔ سپاس برای این بهبودی، «مس در فامینور» را تصنیف کرد که بزرگترین کار مذهبی او به شمار می رود.

آوازهٔ بروکنر دیگر به وین هم رسیده بود و کنسرواتوار وین پس از مرگ استاد شسترو، شغل او را به بروکنر پیشنهاد کرد. بروکنر پس از تأخیر و تأمل بسیار، این پیشنهاد را پذیرفت و سرانجام، در سال ۱۸۶۸ در مهد موسیقی جهان مستقر شد. به استثنای دوره های کوتاهی که برای ارگ نوازی به شهرهای پاریس و لندن رفت، از این پس تا پایان عمر در وین می زیست. داستان دوران اقامت بروکنر در این شهر، داستان شهامت درونی او در مقابله با خصومت تلخ منتقدان است.

واگنر او را تنها سمفونی ساز واقعی از زمان بتهوون می دانست. حمایت واگنر از او انتقادات و سوءتفاهمات را در مورد کار او تشدید کرد.

انتخاب نام «سمفونی واگنر» برای سمفونی شماره ۳ به آتش خصومت ها دامن زد. به این دلیل، هیچ رهبر ارکستری جرئت نمی کرد سمفونی های بروکنر را اجرا کند، تا این که هانس ریختر با اجرای سمفونی چهارم (سمفونی «رمانتیک») در سال ۱۸۸۱ این تحریم را شکست. در این تاریخ، بروکنر سمفونی پنجم و ششم را به اتمام رسانده بود و یک «کوینتت» زهی ساخته بود: تنها آزمایش او در زمینهٔ موسیقی مجلسی. اجرای سمفونی پنجم را بروکنر تا زنده بود، نشنید.

هنگامی که سمفونی هفتم بروکنر، به رهبری آرتور نیکیش، شاگرد جوان آهنگساز، در لایپزیگ اجرا می شد - ۳۰ دسامبر ۱۸۸۴ - شهرت آهنگساز مرزهای زادبومش را در نور دیده بود. در آلمان به اجرای سمفونی های اولیهٔ او پرداختند و در خارج از آلمان، علاقهٔ زیادی نسبت به آثار او به وجود آمد. با اجرای سمفونی سوم بروکنر در ۴ دسامبر ۱۸۸۵ در نیویورک، منتقدان آمریکایی و موسیقی دوستان، هنر او را بیش از پیش ستودند و ارج نهادند.

سالهای آخر زندگی بروکنر در تالوی اشتهار گذشت. با این همه، با همان دل بستگی کودکانه ای که به عناوین پر زرق و برق داشت، دکترای افتخاری دانشگاه وین را که در سال ۱۸۹۱ نصیبش شد، بزرگترین منزلتی که به دست آورده است می دانست. بیماری امان نداد



صومعة سن فلورين



واگنر

از میان شاگردان و مریدان برجسته اش، می‌توان از آرتور نیکیش، کارل ماک و گوستاو مالرنام برد.

\*\*\*

در مورد برخی از ویژگی‌های سبک سمفونی‌های بروکنر توافق نظر اصولی وجود دارد. خودجوشی و تنوع فراوان ملودی‌هایش، تحرک

که کاربر روی سمفونی نهم را به اتمام برساند و این تنها کار عظیمی بود که در پنج سال واپسین زندگی‌اش انجام داد. در یازدهم اکتبر ۱۸۹۶ درگذشت. بنا به خواست خودش، او را زیر ارگ صومعه سن فلورین دفن کردند؛ همان ارگی که در گذشته، نهانی‌ترین اعترافات درونش را با آن در میان گذاشته بود.

ریتمیک و تقابل قدرتمند سازها در موسیقی اش، مورد ستایش همگان است. متخصصان امر تنها در مورد کمال فرم و اصالت زبان ارکستر در کارهای او اختلاف نظر دارند. بروکنر تنها در یکی از سمفونی هایش، سمفونی چهارم (موسوم به «رمانتیک»)، از راه و رسم مشخص موسیقی «مطلق» عدول کرد. حتی در این مورد هم او شاید با در نظر داشتن الگوی سمفونی «پاستورال» **بتهوون** (سمفونی شماره ۶)، به شنونده اش هشدار می‌دهد که اشارات روایتی را که در واقع اساس موسیقی هستند، چندان به جد نگیرد. او بدون تردید، ساخت سمفونیک **بتهوون** را به کار گرفت و سمفونی فناناپذیر شماره پنج **بتهوون** را الگویی برای خلق آثار خود قرار داد. همه سمفونی های بروکنر محتوای معنوی یکسانی دارند که تنها با گذشت سالیان از نظر عمق و کمال بیان با یکدیگر متفاوت اند. قاعده ای را که بروکنر در تمام سالهای سمفونی نویسی اش از آن تبعیت می‌کرده، شاید بتوان به این نحو خلاصه کرد: قسمت اول - گیرودار کشمکش درونی (روح قهرمان). قسمت دوم - آداجیو. آواز ایمان (نیایش پروردگار و همبستگی با او). قسمت سوم - اسکرتزو. رقص زندگی (خوشی های زندگی در دامن طبیعت). قسمت چهارم - فیناله. نبرد نهایی روح و پیروزی بر همه نیروهای مخالف.

همچنان که غنای این محتوا بر اثر تجربه هایی که در طول کار کسب می‌کرد افزوده می‌شد، دو تیم مخالفی را که پیروان مکتب کلاسیک در قسمت اول به کار می‌بردند، به دو گروه تیم مخالف تبدیل

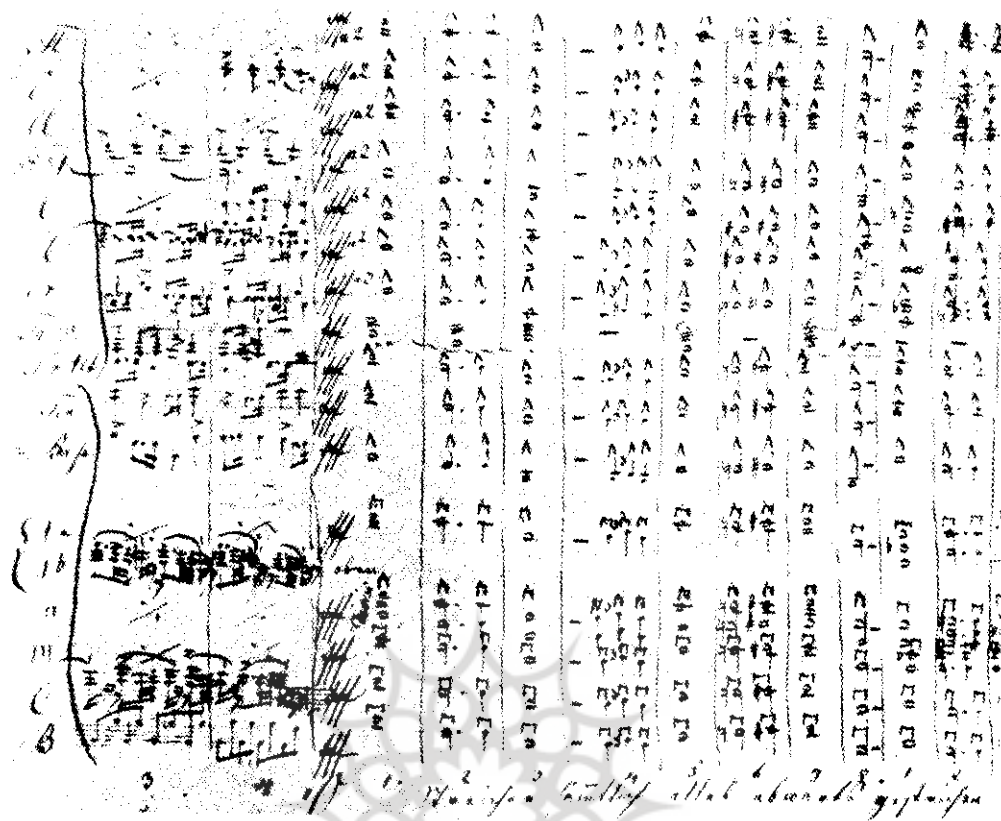
کرد و به این ترتیب گسترش هرچه بیشتری در فرم لازم شد و چارچوب سنتی سونات به طور کلی درهم ریخت. از این گذشته، بروکنر از همان آغاز تمایلی نسبت به توسعه پایان بندی کوتاه ملودیک قسمت اول و تبدیل آن به یک گروه تیم ثالث نشان می‌داد. این «نوآوری» که قبلاً **شوبرت** پیش بینی کرده بود، روشن ترین تجلی خود را در سه سمفونی آخر بروکنر باز یافت. در این سمفونی ها بود که قسمت اول چنین فرمی داشت: ارائه گروه تیم های  $A, B, C$ ؛ بسط آنها؛ تکرار آنها و تکرار مجدد  $A$  به صورتی که تنها تکرار تیم اولیه نیست، بلکه اوج روند بسط است؛ اختتامیه،  $A$ . قسمت های «آداجیو»، «اسکرتزو» و «فیناله» در سمفونی های بروکنر تفاوت اساسی و عمده ای از نظر ساخت، نسبت به آثار کلاسیک اسلاف او ندارند. طولانی بودن غیر معمول قسمت «آداجیو» در سه سمفونی آخر، ناشی از نوآوری خاصی نیست، بلکه معلول طبیعت گسترده و ضربان کند تیم های آوازی است. برای درک درستی از زبان ارکستر در آثار بروکنر، بایستی نه به چاپ ویراسته سمفونی هایش که در سالهای بازپسین زندگی اش منتشر شد، بلکه به کتابهایی که از روی نسخه های دستنویس او که در کتابخانه وین محفوظ است و پس از مرگش منتشر شده، مراجعه کرد. بررسی زمینه ارکستری بسیاری از آثار او که قبل از ساختن سمفونی نوشته است، تکامل یک زبان کاملاً خاص و شخصی را آشکار می‌کند. یک ویژگی بارز، دفعات مکرر تقابل دو گروه از همسرایان یا دو دسته از سازها با هم

دستنویس «مس» ریمونر

ناگهان دست از تصنیف «مس» کشید و به نوشتن سمفونی رو آورد، به صورت تنها شیوه طبیعی بیان او درآمد. لحن پر زرق و برق و رنگارنگ ارکستر که میراثی بود که از کلاسیک‌ها به موسیقی قرن نوزدهم رسیده بود، در شیوه کار بروکنر جای اندکی یافت. نسخه‌های اصلی دستنویس سمفونی‌هایش تفاوت اساسی زبان بروکنر را با زبان واگنر روشن می‌کند، در حالی که منتقدان موسیقی، در گذشته این دو زبان را بسیار شبیه همدیگر یافته بودند. آن غول بزرگ موسیقی نمایشی، رنگ آمیزی غنی ارکستر را عرضه می‌کرد،

□ نسخه‌های اصلی دستنویس سمفونی‌های بروکنر تفاوت اساسی زبان او را با زبان واگنر روشن می‌کنند، در حالی که منتقدان موسیقی، در گذشته، این دو زبان را بسیار شبیه همدیگر یافته بودند.

است، مثلاً قراردادن سازهای برنجی در برابر سازهای بادی یا سازهای بادی در برابر سازهای زهی. این تکنیک که با آثار پولی فونیک گابریلی<sup>۱</sup>، معاصر پالستینا<sup>۲</sup>، وارد قلمروی ارکستر شد، اساس سبک ارکسترال بروکنر است. این تکنیک که با مقتضیات موسیقی مذهبی تطبیق داده شده بود، پس از این که بروکنر



دستنویس سمفونی سوم یا سمفونی «واکبر»

این نابغه جوان داشته است. بعدها مآثر همیشه تلاش می‌کرد به هر ساز سمفونیک صدایی آزاد و منفرد ببخشد؛ همان کاری که بروکنر با سازهای هورن و ترومپت می‌کرد.

درحالی‌که این سمفونی ساز برجسته، منابع ارکستر را با وسواس و مراقبت شدید به کار می‌گرفت. بروکنر پیش از هر چیز مهره بازی چیره دست بود و واگنر نقاشی رنگ آمیز.

امکانات وسیعی را که نحوه تنظیم ارکستر در آثار بروکنر به وجود آورده بود، گوستاو مالر در هفده سالگی کشف کرد، زمانی که بروکنر او را برای تنظیم سمفونی سوم برای پسانو برگزید. موتیف کوتاه بوق مانند ترومپت تنها که تیم آغازین را تشکیل می‌دهد و صدای هورن که با نوای شفاف و گیرای خود به ساخت کلی سمفونی ویژگی می‌دهد، بی‌شک تأثیر ماندگار و عمیق بر

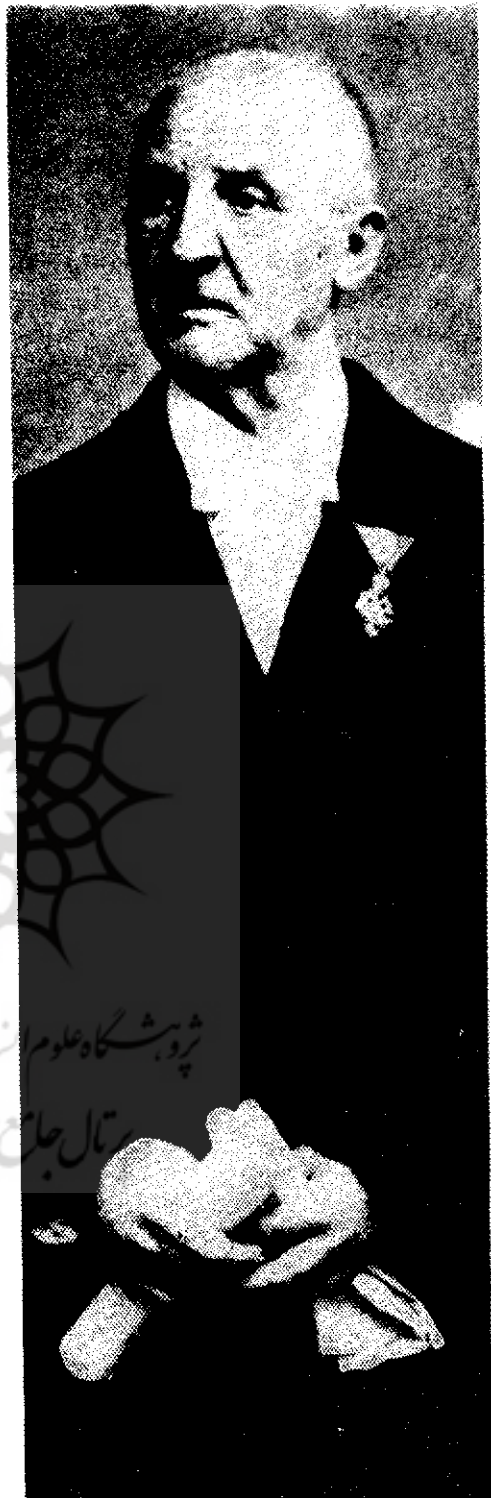
#### زیرنویس‌ها:

۱. آندره نا گابریلی (۱۵۲۰-۱۵۸۶): ارگ نواز و آهنگساز ایتالیایی. از سال ۱۵۶۶ ارگ نواز کلیسای سن مارک ونیز بود و مزمورها، «مادریگال»ها و آثار متعددی برای ارگ ساخت.
۲. جوانی پی‌یر لویجیدا پالسترینا (۱۵۲۴-۱۵۹۴). آهنگساز ایتالیایی یکی از بزرگ‌ترین استادان موسیقی دوران رنسانس و آهنگساز عمده‌ی مکتب رمی.



## سالشمار زندگی بروکنر

- ۱۸۲۴ - تولد در ۴ سپتامبر در آتسفلدن، اتریش علیا
- ۱۸۳۵-۱۸۳۷ - نخستین دوره آموزشی در نوازندگی ارگ و تئوری موسیقی، تحت نظر وایس در هورشینگ، اتریش علیا.
- ۱۸۳۷ - ۱۸۴۰ - عضو گروه کُر پسران در سن فلورین.
- ۱۸۴۰ - تحصیل در مدرسه مقلّماتی تربیت معلم، لینتس.
- ۱۸۴۱ - ۱۸۴۳ - آموزگار دستیار، وینداگ.
- ۱۸۴۳ - ۱۸۴۵ - آموزگار دستیار، کرونتسورف.
- ۱۸۴۶ - آموزگار، سن فلورین.
- ۱۸۴۸ - جانشین ارگ نواز، سن فلورین.
- ۱۸۵۰ - تحصیل در کالج تربیت معلم، لینتس.
- ۱۸۵۱ - ارگ نواز سن فلورین.
- ۱۸۵۵ - آموزش تئوری موسیقی با میمون شستر، تا ۱۸۶۱.
- ۱۸۵۶ - ۱۸۶۸ - ارگ نواز کلیسای جامع شهر لینتس.
- ۱۸۶۷ - بیماری عصبی؛ گذراندن دوران نقاهت در باد کروتسن.
- ۱۸۶۸ - استاد هارمونی و ارگ در کنسرواتوار وین، تا ۱۸۹۱.
- ۱۸۷۵ - استاد هارمونی و ترکیب الحان در دانشگاه وین، تا ۱۸۹۴.
- ۱۸۹۴ - آخرین جلسه تدریس در دانشگاه وین (۱۲ نوامبر). کناره گیری کامل از زندگی اجتماعی به خاطر بیماری.
- ۱۸۹۶ - مرگ (یازدهم اکتبر). تدفین در سن فلورین.



۱۸۴۹ - «رکوییم»، «ر» مینور، ۱۳ سپتامبر، سن فلورین.

۱۸۶۴ - «مس»، «ر» مینور، ۲۰ نوامبر، لیتنس.

۱۸۶۸ - سمفونی اول، ۹ مه، لیتنس؛ به رهبری بروکنر.

۱۸۶۹ - «مس»، «می» مینور، ۲۹ سپتامبر، لیتنس.

۱۸۷۱ - «مس»، «فا» مینور، ۲۷ ژوئن، وین.

۱۸۷۳ - سمفونی دوم، ۲۶ اکتبر، وین؛ به رهبری بروکنر.

۱۸۷۷ - سمفونی سوم «واگنر»، ۱۶ دسامبر، وین؛ به رهبری بروکنر.

۱۸۸۱ - سمفونی چهارم «رمانتیک»، ۲۰ فوریه، وین؛ به رهبری هانس ریختر.

۱۸۸۱ - «کوینتت»، ۱۷ نوامبر، وین.

۱۸۸۳ - سمفونی ششم (فقط قسمت‌های دوم و سوم سمفونی)، ۱۱ فوریه، وین؛ به رهبری ویلهلم یان.

۱۸۸۴ - سمفونی هفتم (فقط قسمت «آداجیو»)، ۳۰ دسامبر، لایپزیگ؛ رهبری آرتور نیکیش.

۱۸۸۵ - سمفونی هشتم (به طور کامل)، ۱۰ مارس، مونیخ؛ به رهبری هرمان لهوی.

۱۸۸۵ - نخستین اجرای یکی از آثار بروکنر در آمریکا؛ سمفونی سوم، ۴ دسامبر، نیویورک؛ به رهبری دامروش.

۱۸۹۲ - سمفونی هشتم، ۱۸ دسامبر، وین؛ به رهبری ریختر.

۱۸۹۴ - سمفونی پنجم، ۸ آوریل، گراتس؛ به رهبری فرانتس شالک.

۱۸۹۹ - سمفونی ششم (به طور کامل)، ۲۶ فوریه، وین؛ به رهبری گوستاو مالر.

۱۹۰۳ - سمفونی نهم، ۱۱ فوریه، وین؛ به رهبری فردیناند لوئه.

## آثار ارکستری

اوورتور در سل مینور (۱۸۶۳).

سمفونی در فامینور (۱۸۶۳)

سمفونی در مینور (۱۸۶۴)

سمفونی شماره یک در «دو» مینور (۱۸۶۶).

سمفونی شماره ۲ در «دو» مینور (۱۸۷۲).

سمفونی شماره ۳ در «ر» مینور (۱۸۷۳).

سمفونی شماره ۴ در «می» بمول ماژور (۱۸۷۴)

سمفونی شماره ۵ در «سی» بمول ماژور (۱۸۷۶)

سمفونی شماره ۶ در «لا» ماژور (۱۸۷۹)

سمفونی شماره ۷ در «می» ماژور (۱۸۸۳)

سمفونی شماره ۸ در «دو» مینور (۱۸۸۵)

سمفونی شماره ۹ در «ر» مینور (نا تمام) (۱۸۹۴).

## آثار آوازی

«مس» فا ماژور (۱۸۴۴).

«رکویتم» «ر» مینور (۱۸۴۹).

«مس نخست»، «ر» مینور (۱۸۶۴).

«مس دوم»، «می» مینور (۱۸۶۶).

«مس سوم»، «فا» مینور (۱۸۶۷).

«صد و پنجاهمین مزمور»، (۱۸۹۲).

## موسیقی مجلسی

«کوینتت» زهی (۱۸۷۹).